

بررسی زندگی شخصی و ادبی سید رضی با تأکید بر نهج البلاغه

توران به نژادیان

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، مدیر دبیرستان جمهوری اسلامی، اداره آموزش و پرورش خوزستان شهرستان اندیمشک

چکیده

از جمله دانشمندان و ادبای سده‌های چهارم و پنجم هجری ابوالحسن محمدبن الحسین الموسوی، معروف به «سیدرضی و شریف رضی» است که در بغداد سال ۳۵۹ ه. ق از خانواده‌ای شریف و متدین زاده شد. وی علاوه بر کار بزرگ گردآوری نهج-البلاغه که میزان ارادات خالصانه‌اش را به مولای متقیان نشان داده، در شعر بی‌مانند و در علم کلام و تفسیر قرآن و علوم بلاغه نیز از توان بالایی برخوردار بود. آثار گرانسنگ وی گواه این مدعاست. این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است بر آن است که به جنبه‌ی علمی و ادبی و آشکار ساختن نبوغ و شخصیت پنهان عالم بزرگ «سیدرضی» بپردازد و نقاط مبهم بسیاری را که در مورد این شخصیت بزرگ وجود دارد، روشن ساخته و به مقام علمی و ادبی این بزرگوار بپردازد. و به معرفی مهمترین و بزرگترین اثر وی «نهج‌البلاغه» بپردازد.

واژه‌های کلیدی: شیعه، عالمان دینی، شریف رضی، نهج‌البلاغه

مقدمه

هنوز یک قرن از غیبت خورشید پر فروغ آسمان امامت مهدی (عج) نگاشته بود که ستاره‌ای از افق بغداد درخشیدن گرفت و نور امیدی بر دل عاشقان و منتظران نشانید. او سخنوری شجاع و بی‌باک بود و از هیچ مقام و منصبی هراس به دل راه نمی‌داد و همیشه به انتظار زمان مناسب به سر می‌برد تا بر ضد حاکمان جور خروشی بی‌امان از دل پر جوش برآورد و با خشکاندن ریشه ظلم و فساد، بار دیگر عدل علی (ع) را بگستراند او رسالت خود را فقط در بحث و تحقیق و تألیف و شعر و شاعری نمی‌دید؛ بلکه با پیروی از جد بزرگواریش علی (ع) به دستگیری محرومان می‌شتافت و نصرت دین خدا را هدف نهایی خود می‌دانست. او شیفته خدمت بود نه تشنه‌ی قدرت و در بوستان معرفتش به پرورش شاگردانی پرداخت که هر یک از آنان مانند قمری در فلک علم و فرهنگ درخشیدند؛ شاگردانی چون: مهیار دیلمی، شیخ طوسی، مفید نیشابوری و...

او با وجود مسئولیت‌های طاقت فرسای دینی، سیاسی و اجتماعی که بر عهده داشت با همه اینها احساس خلأ و کمبود می‌کرد و گویی رسالتی بزرگ بر دوش او گذاشته شده است. چون خوب می‌دانست که رسالت بدون امامت ناقص و شهر پیامبر (ص) بدون وجود علی (ع) شهری بی‌دروازه می‌ماند. او با این تفکر الهی کار بزرگی را آغازید همان کاری که ثمره‌اش در کلام بلند مولا علی (ع) به بار نشست و کتاب همیشه جاودان نهج‌البلاغه را آورده و نام و ساد سیدرضی را برای همیشه زنده نگه داشت.

سید شریف رضی «ره» را می‌توان از دانشمندان مبرز جهان تشیع دانست که جلوتر از زمانش می‌زیسته و دارای اندیشه‌های ناب ادبی، تفسیری، کلامی و بویژه اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی در سطح بالا بوده است. شاهد این سخن، علاوه بر کتاب عظیم نهج‌البلاغه که خود گنجینه‌ای است از معارف الهی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و روان‌شناختی، هر چند که محتوای این کتاب بزرگ از خود رضی نیست؛ بلکه مختاری است از سخنان حکمت‌بار امیر المؤمنین علی علیه السلام که آن حضرت آنها را در مناسبت‌های گوناگون ایراد فرموده و یا نوشته است، اما بدون شک، عنایات سید مرحوم به این بخش از بیانات امیر المؤمنین علیه السلام که در مایه‌های مختلف حکومت، سیاست و مدیریت می‌باشد خود بیانگر طرز تفکر وی نیز می‌تواند باشد؛ زیرا ذوق، قریحه و استعداد هر کس در نوع عملکرد و انتخاب او جلوه می‌کند. در این مقاله خصوصیات اخلاقی و شخصی سید رضی و شعر و سبک او را مروری خواهیم کرد.

روایای شیخ مفید

قرن چهارم و پنجم ه.ق. برای بغداد دوران طلایی به حساب می‌آمد؛ زیرا در آن موقع از نظر علم و ادب، بغداد به اوج شهرت و عظمت خود رسیده بود و وجود ستارگان آسمان پرفروغ علم و معرفت، تشنگان فضیلت ر به ضیافت کوثر دعوت می‌کرد از جمله آنان دانشمند فرزانه محمدبن محمدبن نعمان مشهور به شیخ مفید بود که در آن دیار، حوزه‌ی درسی برپا کرده بود و به پرورش استعدادها می‌پرداخت.

شیخ مفید کتاب «کتاب النساء» را برای مادر سید رضی نوشته و در مقدمه کتاب از او به بانویی محترم و فاطمه یاد کرده‌است. ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج‌البلاغه خویش در ارتباط با عظمت و مقام رفیع این بانوی فاضل و دو فرزند برومند و شایسته‌اش، محمد و علی - که بعداً به «سید رضی» و «سید مرتضی» شهرت یافتند.

روزی همچون گذشته شیخ بزرگوار در «مسجدبرائا» درس را شروع کرد. چند لحظه‌ای نگذشته بود که ناگهان شیخ درس را قطع کرد و گفت: سلام علیکم، بفرمائید! طلبه‌ها به پشت سر نگاه و در مقابل دیدگان خود بانوی محترمی را دیدند که دست دو فرزند کوچک را گرفته بود. و با متانت رو به شیخ نمود و گفت: ای شیخ! اینان دو فرزند من سید مرتضی و سید رضی هستند، به خدمت شما آورده‌ام تا فقه به آنان بیاموزی. با شنیدن این سخن شیخ شروع به گریستن کرد و با چشمانی اشک آلود گفت:

«حالا حقیقت برایم آفتابی شد و رویای شگفتم تعبیر شد» و ادامه داد: «خواب دیدم در همین مسجد نشستهام و مشغول تدریس هستم و بی بی دو عالم فاطمه زهرا (س) را دیدم که دست دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را گرفته بود و به من فرمودند: ای شیخ! دو فرزندم حسن و حسین را آوردم تا فقه‌شان بیاموزی. در هنگام بیدار شدن با خود اندیشیدم خدایا! من کجا و استادی دو معصوم کجا! اکنون با دیدن این صحنه من به تعبیر رویای خود رسیدم.» از همان روز شیخ مفید تربیت سید رضی و سید مرتضی را بر عهده گرفت و در پرورش آنان نهایت سعی و تلاش خود را به کار بست. (امینی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۱۸۴).

شرح حال سید رضی

محمدبن الحسین معروف به الشریف الرضی به سال ۳۵۹ ه. ق در محل شیعه‌نشین کرخ بغداد، در خانه‌ای که از گل‌های عطرآگین ایمان و اخلاص و روشنایی علم آذین‌بندی شده بود، دیده به جهان گشود. خاندان او همه از بزرگان دین و عالمان و عابدان و پرهیزگاران کم مانند روزگار بودند. پدر و مادر سید رضی هر دو از سادات علوی و از نوادگان حسین بن علی (ع) بودند. نسب وی از جانب پدر با پنج واسطه به امام هفتم می‌رسد. از اینرو گاهی شریف رضی را «رضوی» می‌خوانند. و از طرف مادر نسب وی با شش واسطه به امام زین‌العابدین می‌رسد. (امینی، ۱۴۰۳: ج ۹: ۲۱۶).

در عظمت شأن فاطمه مادر سیدرضی همین بس که می‌گویند: شیخ مفید کتاب «کتاب النسا» را برای او نوشته و در مقدمه کتاب از او به بانویی محترم یاد کرده است. (امینی، ۱۴۰۳: ج ۹: ۲۰).

استادان سید رضی

لازم به ذکر است که اساتید او از علمای شیعه و سنی بوده‌اند. در آن زمان‌ها دانشمندان اسلامی بدون در نظر گرفتن مذهب به آموزش از یکدیگر می‌پرداختند، و همین نیز موجب گسترش علوم و فنون اسلامی گردید، و اینک عده‌ای از دانشمندان نام‌آوری که سید رضی نزد آنان به کسب دانش پرداخته عبارت‌اند از:

- ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری (متوفی ۳۹۳ ق.) فقیه و ادیب و نویسنده زبردست که سید رضی قرآن را در دوران کودکی نزد وی آموخت.
- ابوعلی فارسی (متوفی ۳۷۷ ق.) نام‌آور دانش و ادب و پیشوای علم نحو در عصر خود.
- ابوسعید سیرافی (متوفی ۳۶۸ ق.) دانشمند بزرگ و نحوی معروف که مسند قضاوت بغداد را به عهده داشت.
- قاضی عبدالجبار بغدادی،
- عبدالرحیم بن نباته (متوفی ۳۷۴ ق)
- ابومحمد عبدالله بن محمد اسدی اکفانی (متوفی ۴۰۵ ق)
- ابوالفتح عثمان بن جنّی موصلی (متوفی ۳۹۲ ق).
- ابوالحسن علی بن عیسی ربعی (متوفی ۴۲۰ ق).
- ابوحفص عمر بن ابراهیم بن احمد الکنانی.
- ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی بن داوود بن جرّاح (متوفی ۳۵۰ ق).
- ابوعبدالله مرزبانی (متوفی ۳۸۴ ق).
- ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی (متوفی ۴۰۳ ق).

- ابو محمد هارون تلعبری (متوفی ۳۸۵ ق).

- ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق). (دوانی، ۱۳۵۹: ۴-۲).

شاگردان سید رضی

سید رضی به سبک جالب و بی‌نظیر حوزه‌های علمیه، در حین فراگیری و قبل از فارغ التحصیلی، اقدام به پرورش طالبان علم و جویندگان معرفت کرد. سید رضی که از خردسالی استعدادهای خدادادی خوی را به کار انداخته بود، و سپس نزد استادان زبردستی درس خوانده بود، توانست در دوران جوانی به تعلیم شاگردانی بپردازد و زکات علم ژرف و عمیق خود را به جامعه بپردازد.

سید برای اینکه بتواند تعلیم را به خوبی انجام دهد، مدرسه‌ای در نزدیکی خانه‌ی خود در کوی کرخ بغداد تأسیس کرد و آن را «دارالعلم» نامید. این مدرسه ساختمان‌ها و تالارهایی برای تدریس، سخنرانی و محل تشکیل جلسات بحث و پژوهش و گفتگوهای علمی داشت و غرفه‌هایی برای زیست دانشجویان و در آن‌ها از کتابخانه‌ی بزرگی برخوردار بود که با ارزش‌ترین و مهم‌ترین مراجع و منابع عربی و اسلامی را در خود جا داده بود. سید سرپرستی هر سه بخش مدرسه خود را به عهده داشت و شخصا به امور دانشجویان و کتابخانه رسیدگی می‌کرد. از این مدرسه‌ی مشهور که آوازه‌اش در سراسر عراق آن روز و مصر و دیگر سرزمین‌های اسلامی پیچیده بود، دانشمندان بسیاری فارغ‌التحصیل شدند که به اجمال چند تن از این مشاهیر را نام می‌بریم.

سید رضی در بوستان معرفتش به پرورش شاگردانی پرداخت که خود به آنان افتخار می‌ورزید. به طوری که هر کدام سال‌ها بعد، از بزرگان علم، دین و تقوا و پرهیزکاری شدند و مانند قمری در فلک علم و فرهنگ می‌درخشیدند. هر چند او به واسطه مناصبی که داشت کمتر در عمر کوتاه خود فرصت یافته است به پرورش شاگردان و تدریس علوم که اندوخته بود همت گمارد لازم به ذکر است از تعداد کامل شاگردان سید رضی اطلاعی نداریم. با این وصف علامه امینی مولف کتاب گرانقدر «الغدیر» به پیروی از محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری در خاتمه کتاب «مستدرک الوسائل» این عده را نام می‌برد که شاگرد سید رضی بوده‌اند یا از وی روایت کرده‌اند. اینان همگی از علمای نامی می‌باشند:

- شیخ ابو عبدالله حلوانی
- شیخ جعفر دوریستی (متوفی حدود ۴۷۳ ق).
- شیخ الطایفه، ابو جعفر شیخ محمد بن حسین طوسی (م ۴۶۰ ق).
- ابوزید کبابیکی
- قاضی ابوالمعالی، احمد بن علی بن قدامه مشهور به ابن قدامه (م ۴۸۶ ق).
- ابوالحسن هاشمی
- مفید نیشابوری (م ۴۴۵ ق).
- ابوبکر نیشابوری خزاعی (متوفی حدود ۴۸۰ ق)
- قاضی ابوبکر عکبری (م ۴۷۲ ق)
- مهیار دیلمی.

«مهیار دیلمی» مجوسی است که برای کسب دانش به بغداد آمده بود و در معاشرت با سید رضی مسلمان شد و در سلک شاگردان وی در آمد. مهیار که پس از مسلمان شدن کنیه ابو الحسن را بر خود نهاد و به «ابوالحسن مهیار دیلمی» معروف

گشت؛ در نیمه اول قرن پنجم هجری، از نامدارترین شاعران عصر به شمار آمد: قصاید و مراثی مهیار دیلمی درباره ائمه اطهار (ع) در دیوان وی موجود است و از شاهکارهای ادبیات عرب به شمار می‌رود. ابن خلکان در شرح حال وی می‌نویسد: او مجوسی بود و مسلمان شد. گفته می‌شود اسلام آوردن وی به دست سید رضی بود؛ چون سید رضی استاد او بود و مهیار نزد وی در شعر به کمال رسید. او شاعری بزرگ و بر تمام شاعران عصر خویش مقدم بود، دیوان شعر او بزرگ و در چهار مجلد است. (ابن خلکان، وفیات اعیان، جلد ۴: ۴۴۱).

- شیخ مفید عبدالرحمن بن احمد بن یحیی (ر.ک. امینی، ۱۳۶۶: ۱۲۲-۱۱۲)

خصوصیات و شخصیت سیدرضی

سید رضی دانشمندی متعهد، وظیفه‌شناس و عاشق خدمت بود. او تحصیل علم را برای روشنگری افکار و اندیشه‌های جامعه می‌خواست و از نفوذ اجتماعی و سیاسی خود به منظور تشکل نیروهای مخلص و یاری رساندن به هموعان خود استفاده می‌کرد. سید رضی هیچگاه خود را در کنج کتابخانه و گوشه مسجد و مدرسه محبوس و محصور نساخت و هرگز در را روی خود نبست. سید رضی رسالت خود را فقط در بحث و تحقیق و تالیف و شعر و شاعری نمی‌دید؛ بلکه با پیروی از جد بزرگوارش امیرمؤمنان علی(ع) به دستگیری از محرومان و ستمدیدگان می‌شتافت و نصرت دین خدا را هدف نهایی خود می‌دانست. او شیفته خدمت بود نه تشنه قدرت. از این رو تنها مسئولیت‌هایی را به عهده گرفت که ویژگی‌های مردمی داشت؛ مانند نقابت علویان، امارت حاجیان و دیوان مظالم.

رضی در زمان سه تن از خلفای عباسی: المطیع، الطائع و القادر زندگی می‌کرد. در عهد مطیع هنوز کودک بود. دوره الطائع دوره مبارزه میان عنصر ایرانی و ترک بود و دیلمیان بر عراق مسلط شده بودند. او همه خلفای عباسی را غاصب می‌دانست و از آن‌ها متنفر بود بخصوص از «القادر بالله» او مردی خود خواه و جاه طلب و متعصب و پر کینه و عقده ای بود و در پی بهانه ای می‌گشت تا ابهت و شخصیت اجتماعی و وجهه علمی و روحانی سید رضی را از بین ببرد و به همین خاطر سید رضی اشعاری سرود که طی آنها انزجار خود را آشکار ساخت و با این کار، خلیفه خشمگین شد و سید رضی را از تمام مسئولیت‌های اجتماعی برکنار کرد.

سید رضی سخنوری شجاع و بی‌باک بود. او از هیچ مقام و قدرت و صاحب منصبی واهمه به دل راه نمی‌داد. همیشه به انتظار زمان مساعد به سر می‌برد تا بر ضد طاغوتیان و حاکمان ظلم و جور، خروشی بی‌امان از دل پر جوش برآورد و با خشکاندن ریشه ظلم و فساد، بار دیگر عدل علی علیه السلام را بگستراند. آن سید مجاهد، افکار انقلابی خود را در مجالس خصوصی، ضمن اشعار حماسی به رفقای صمیمی و هم مرام خویش بازگو می‌کرد و بنا به فکر بلند سیاسی که داشت خود را برتر از خلیفه می‌دانست. سید رضی روزی نزد «الطایع بالله» نشسته بود و بی‌اعتنا به جاه و جبروت خلیفه محاسن خود را به دست گرفته، به طرف بینی بالا می‌برد. خلیفه خواست بر سید طعنه بزند و قدرت پر زرق را به رخ او بکشد، رو به سید گفت: گمان می‌کنم بوی خلافت را استشمام می‌کنی؟! سید رضی با همان متانت و شجاعت همیشگی پاسخ داد: بلکه بوی نبوت را استشمام می‌نمایم! (همان، ۳۸-۳۰).

از ابن ابی الحدید معتزلی، نشان از مقام والای این عالم کم‌نظیر، حتی در بین مخالفین مذهبی وی دارد. علامه حلی، سید رضی را شاعری مبرز، فاضل، عالم، پارسای عظیم‌الشأن و بلندجایگاه، معرفی می‌کند. قاضی نورالله شوشتری نیز با عباراتی بلیغ، شریف را این چنین معرفی می‌نماید: «در عصمت و طهارت، برگزیده خداست. نقیب

علویه و اشراف بغداد، بلکه قطب فلک ارشاد و مرکز دایره رشاد بود. صیت بزرگی و جلالت او را گوش فلک شنیده و آوازه فضل و بلاغت او به ایوان فلک رسیده.

از دیگر خصوصیات بارز سید رضی، پرهیز از تملق و چاپلوسی بود؛ با وجود عهده‌داری مناصب مختلف در دربار عباسیان و رابطه نزدیک با برخی از صاحب‌منصبان، در برخورد وی با خلفا، نشانی از تملق دیده نمی‌شود و اشعاری که در مدح آنان گفته، تنها به علت رابطه نزدیک و رفاقت با ایشان بوده است. در بررسی اشتغال شریف رضی به مناصب دولتی، باید شرایط سیاسی-اجتماعی و موقعیت ممتازی را که بر اثر تسلط بویه‌پیمان شیعی‌مذهب بر دستگاه خلافت، برای شیعیان به وجود آمده بود، در نظر گرفت و طبیعی است که افرادی مانند شریف رضی، از این موقعیت برای رشد و تعالی جامعه شیعی استفاده حداکثری کنند. با این وجود، شریف رضی، تقابل‌هایی نیز با خلفا داشت است. تفاخر وی، در نسب و حسب بر خلیفه قادر عباسی، از این نمونه‌هاست؛ وقتی در نزاع بین شیعیان و اهل سنت بغداد، خلیفه قادر عباسی، جانب اهل سنت را گرفت و گروهی از شیعیان را دستگیر کرد، شریف رضی با جرئت و جسارتی ستودنی، در قطعه شعری، آرزوی زندگی در قلمرو فاطمیان (که حساسیت عباسیان نسبت به آنان، فوق‌العاده شدید بود) نمود و این، خشم خلیفه را برانگیخت و باعث سلب مناصب دولتی از سید گردید.

آثار علمی سید رضی

در میان آثار علمی و تألیفات تفسیری بر جای مانده از علامه سید شریف رضی دو کتاب نفیس: «تلخیص‌البیان عن مجازات القرآن» و «حقائق‌التأویل فی المتشابه‌التنزیل» را می‌توان نام برد که این دانشمند عظیم‌الشأن در ضمن بحث‌های تفسیری و قرآنی خویش در این دو کتاب، نظرات ارزنده‌ای در مسائل سیاسی، اجتماعی اسلام نیز ارائه داده است. کتاب تلخیص‌البیان عن مجازات القرآن در این کتاب سید رضی مجازاتی که در قرآن مجید هست را با دقت نظر و احاطه‌ی علمی مورد بحث و تحقیق قرار داده است. (دوانی، ۱۳۵۹: ۲۹).

البته تراجم‌نگاران، کتاب دیگری بعنوان «معانی‌القرآن» به او نسبت داده‌اند که اگر غیر از کتاب حقایق‌التأویل وی باشد، چنین کتابی بدست نیامده و بیش از همین عنوان، نام و نشان دیگری از این کتاب داده نشده است و لذا به نظر می‌رسد که معانی‌القرآن همان کتاب حقائق‌التأویل باشد و نیز کتابی که ایشان در تلخیص‌البیان، برخی مباحث تفسیری را به کتاب کبیر حواله می‌نماید و با عنوان «کتابنا الکبیر» از آن یاد می‌کند بقرینه اینکه در همین کتاب حقائق‌التأویل که تاکنون فقط، جزء پنجم آن بدست آمده و بطبع رسیده، مطالبی را به قسمت‌های دیگر همین کتاب ارجاع می‌دهد با اطمینان می‌توان گفت که کتاب کبیر، معانی‌القرآن و حقائق‌التأویل، یک کتاب بیش نیستند با نام‌های مختلف. اکنون تألیفات وی را علاوه بر سه کتاب تفسیری وی به اجمال از نظر می‌گذرانیم:

- زیادات فی شعر ابی‌الحجاج،
- خصائص‌الائمہ: این کتاب نخستین اثر اوست که در مورد پاره‌ای از ویژگی‌های اهل بیت (ع) می‌باشد و خود در مقدمه‌ی نهج‌البلاغه از آن نام می‌برد و می‌گوید: در اوائل جوانی آن را تالیف کرده‌ام. (جعفری، ۱۳۷۵: ۳۵).
- مجازات‌الآثار النبویّه: سید رضی در این کتاب مجازات سخنان پیامبر (ص) را با دیدی علمی مورد بحث قرار داده است. (همان، ۱۰۰).
- الزیادات فی شعرا بی‌تمام
- ما دار بینہ و بین ابی اسحق من الرسائل
- دیوان شعری مشهور به الحجازیات

- تعلیقه بر ایضاح ابو علی فارسی
- تعلیق خلاف الفقها
- الرسائل و نامه‌هایی که بین او و ابواسحاق صابی مبادله شده است.
- اخبار قضاء بغداد
- مختار شعر ابو اسحاق صابی
- الزیادات فی شعر ابی تمام
- شرح زندگانی پدرش «طاهر ذوالمناقب»
- الجید من شعر ابن الحجاج: نام دیگر این کتاب «الحسن من شعرالحسین» است و حسین، نام شاعر مشهور معاصر او «ابن حجاج» است که سید در این کتاب، اشعار خوب و زیبای او را برگزیده و اشعار سبک و بی بندو باری او را حذف کرده است. (جعفری، ۱۳۷۵: ۵۰).
- نهج البلاغه: که مشهورترین تألیف سیدرضی است، مشتمل بر ۲۴۲ خطبه، ۷۸ حکمت و ۴۸۹ سخن کوتاه (کلمات قصار) از سخنان گهربار امیرالمومنین علی(ع) می‌باشد. که تاکنون میلیون‌ها نسخه از آن به چاپ رسیده است.

مقام علمی سید رضی

سیدرضی از همان کودکی زیر نظر پدر عالیقدر خود و پس از گرفتاری پدر، تحت کفالت مادر بزرگوارش به آموزش قرآن مجید و علوم ادبی و دینی پرداخت و بیست سال از عمرش گذشته بود که از فراگیری کلیه علوم متداول عصر فراغت حاصل کرد و از تحصیل آنها در نزد اساتید بزرگ عصر بی‌نیاز گشت. او نه تنها شاعری کم نظیر؛ بلکه سرآمد شعرای عصر و بزرگ‌ترین شاعر دودمان ابوطالب (ع) و نویسنده‌ای توانا و پرکار و نکته‌سنج بوده است؛ بلکه دانشمند بزرگ عصر نیز می‌باشد، و نه تنها شاعر و نویسنده و مولف کتاب‌هایی در تفسیر و حدیث و فقه و تاریخ و کلام و... بوده است؛ بلکه از دانشمندان صاحب نظر ادبیات عربی از صرف و نحو و معانی و عروض و لغت می‌باشد، که اگر درست به به کار درس می‌پرداخت و مناصب اداری او وقتش را نمی‌گرفت، می‌بایست از علمای مشهور این فن به حساب آید. (دوانی، ۱۳۵۹: ۷۴-۷۱).

سیدحسن صدر در مورد مقام علمی سیدرضی می‌نویسند: «او علامه‌ی زمان خود و یگانه‌ی روزگار خویش بود.» (صدر، ۱۳۲۸: ۳۳۹).

دکتر زکی مبارک پس از اینکه سید رضی را دارنده‌ی علوم و فنون و نویسنده‌ای زبردست می‌داند، می‌گوید: چیزی که اهمیت دارد این است که باید صریحا گفت: سید رضی اولاً و قبل از هر چیز شاعر است. اگر سید رضی در مقابل آثار علمی‌ایش ایست می‌کرد، در میان مولفان بزرگ قرار می‌گرفت، ولی مردم سرگرم شدند به شعر برجسته‌ی او و گمان کردند که او از علمای متوسط است، در صورتی که بعد از تأمل خواهیم دید که او از دانشمندان بزرگ بوده است. او با برادرش سید مرتضی در یک خانه پرورش یافته و در آغاز سن دانش از یک دانشمند یعنی شیخ مفید درس آموخته است. او دوست داشته که شاعر باشد، ولی نه مانند شاعران دیگر و می‌خواست دانشمند باشد، اما نه چون سایر دانشمندان و به این منظور هم رسیده است. (زکی مبارک، ۲۰۰۷: جلد ۱: ۲۰۵).

مقام ادبی و سبک شعری سید رضی

سید رضی از همان اوایل کودکی با اشتیاق فراوان به تحصیل و فراگیری علوم روی آورد، وی علاوه بر جدیت و پشتکار از هوش فراوان برخوردار بود که به پیشرفت علمی او سرعت می‌بخشید. وی اولین چکامه قصیده‌اش را در مدح نیاکانش سرود.

سیدرضی گذشته از مقام فقه و تبحری که در تفسیر قرآن و سایر علوم دینی داشت، پیش از آن که بیستمین بهار عمر را پشت سر بگذارد، استاد مسلم عصر در ادبیات عرب بود و در نظم و نثر مانند نداشت. ثعالبی و خطیب بغدادی که از دانشمندان معاصر او می‌باشند، او را سرآمد شعرای دودمان ابوطالب دانسته‌اند، با این که میان آنها ادبای نامی و شعرای سخن‌سنج و نکته‌پرداز بسیار بوده‌اند. با این که بر اثر تشویق سلاطین آل بویه، ادبا، شعرا و دانشمندان بسیاری در آن عصر می‌زیستند، معهذاً هیچکس را توانایی برابری با نظم و نثر سیدرضی نبود!

سید رضی از بزرگترین صاحبان فصاحت و بلاغت بود که از درکی صحیح و ذوقی سلیم برخوردار بود. وی اولین چکامه قصیده-اش را در مدح و ستایش نیاکانش (اهل بیت) در ۹ سالگی سرود و چنان مهارتی از خود نشان داد که همگان را شگفت زده کرد. او از دانشمندان نامداری چون ابواسحاق طبری قرآن را از کودکی فراگرفت و از ابوعلی فارسی نام‌آور دانش و ادب علم نحو را فراگرفت و از عبدالرحیم بن نباته مقداری از فنون شعر را آموخت و از ابوحنیفه عمر بن ابراهیم احمدالکافی، حدیث را فراگرفت و از ابوبکر محمدبن موسی خوارزمی علم فقه را بیاموخت.

سید رضی در طول حیات خود آثار گران بهایی از جمله دیوان اشعار، که به گفته‌ی ثعالبی چهار جلد می‌باشد، را به یادگار گذاشت و لقب «اشعر قریش» و «اشعر عرب» (سرآمد شعرای قریش و عرب) را به خود اختصاص داد. (ثعالبی، ۱۴۰۳ ج ۳: ۱۳۱).

شعر برای شریف رضی یک نیاز روانی بود مه وسیله‌ای برای کسب مال و خودنمایی. شعر او از تنور عاطفه‌اش می‌جوشید نغمه‌هایی است بیانگر عشق‌ها و آلام او یا سروده‌های پرتینینی است، سراینده مفاخرات غرورآمیز او. سیدرضی دانشمندی است که در تمام رشته‌های علوم روزگار خود و در همه آنها از فقه و اصول و علوم و فلسفه و تفسیر و حدیث گرفته تا علوم بلاغی و ادبی، کم نظیر بود. اما شعر او بر سایر جهات او غلبه داشت. ایشان حتی پیش از تألیف نهج البلاغه سخت تحت تأثیر سخنان امیرالمؤمنین علی(ع) قرار داشت و در برخی از اشعارش از کلامت حکمت‌آمیز امام علی(ع) استفاده کرده است. یکی از ویژگی‌های شعر رضی عفت کلام اوست. سیدرضی در میان شاعران عصر خود به عفت کلام ممتاز است و این ویژگی در همه اشعار او وجود دارد. در شعر سیدرضی کلمه زشتی مشاهده نمی‌شود. اشعار وی را به چند دسته تقسیم کرده‌اند:

- ۱- **حجازیات:** یعنی آنچه موسم حج، یا راه حج الهمم بخش او بوده
- ۲- **شیعیات:** اشعاری است که در مورد علویان یا طالبین محروم از قدرت بودند.
- ۳- **رثائیات:** مجموعه اشعاری است که در آن از فقدان یاران و خویشاوندان یاد می‌کند و بر آن‌ها صادقانه اشک می‌ریزد.
- ۴- **فخریات:** که در آنها از عزت و شرف کهن یاد کرده و بدان بسی بالیده
- ۵- **حجازیات:** یا اشعار غزل‌گونه او که حدود چهل قصیده است حاوی احساسات عاشقانه شاعر
- ۶- مجموعه قصائد و قطعاتی که در ترس از پیری و آلام آن سروده است. (الفخوری، ۱۴۲۲: ۴۹۳).

معرفی نهج البلاغه

نهج البلاغه که سخنان امام علی(ع) را دربردارد به عنوان کتابی که بعد از قرآن کریم، چراغ راه هدایت انسان در مسایل مختلف از جمله اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و علمی می‌باشد. این کتاب عالی‌ترین میراث فرهنگی جامعه اسلامی است که هدایتگر فرد و جامعه در ابعاد مختلف است. این کتاب به بهترین وجه خالق هستی و مخلوقات الهی را توصیف کرده است.

کتاب نهج البلاغه یکی از کتاب های مهم حدیثی است و نویسنده آن محمد بن حسین ملقب به رضی می باشد. نهج البلاغه در بردارنده احادیث منقول امیر مؤمنان علیه السلام در موضوعات گوناگون در سه محور خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها است. تفکر رایج پیرامون اقدام مولف آن در مورد این کتاب، صرفاً جمع آوری احادیث و تبویب آن بوده، اما با رجوع به خود کتاب نهج البلاغه درمی‌یابیم که سید رضی علاوه بر جمع آوری احادیث در این اثر، اقدامات دیگری نیز انجام داده که این اقدامات عبارت‌اند از: نگارش خطبه جامع (مقدمه)، ذکر مصادر روایات در برخی مواقع؛ ارجاع به برخی آثار خود؛ ذکر محاسن ادبی کلام امیر مؤمنان (ع)؛ ذکر سبب صدور برای روایات؛ اشاره به مخاطب نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها؛ اشاره به منشأ دیگری از روایت؛ ذکر شواهد قرآنی و روایی و ادبی جهت اعتبار کلام امام؛ تفسیر غرائب کلام امام؛ توضیحات فقه الحدیثی؛ ذکر موضوع برخی روایات؛ معرفی معرفی برخی اعلام و اشاره به مخاطب کلام امام؛ ذکر اختتامیه کتاب و تاریخ تألیف آن.

نهج‌البلاغه هم از نظر محتوا و هم از نظر الفاظ و هم از نظر بار علمی اثری منحصر به فرد و بی‌نظیر است. شیوایی در ظاهر و شکوه در باطن را می‌توان در تمام کلمات آن حضرت مشاهده کرد. زیبایی کلام آن حضرت به حدی است که به گفته ابن‌ابی‌حدید می‌توان آن را دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق دانست. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۲۳ ج ۱).

استاد مطهری امتیاز کلام مولی‌علی (ع) را در کتاب سیری در نهج‌البلاغه چنین بیان می‌کند: «کلمات امیرالمومنین از قدیم‌ترین ایام با دو امتیاز همراه بوده است و با این دو امتیاز شناخته می‌شده است یکی فصاحت و بلاغت و دیگری چند جانبه‌ای و چند بعدی بودن. هر یک از این دو امتیاز به تنهایی کافی است که به کلمات علی ارزش فراوان بدهد؛ ولی توأم شدن این دو با هم یعنی اینکه سخنی در مسیرها و میدان‌های مختلف و احیاناً متضاد رفته و در عین حال کمال فصاحت و بلاغت خود را در همه آنها حفظ کرده باشد و سخن علی (ع) را قریب به حد اعجاز قرار داده و به همین جهت علی را در حد وسط کلام مخلوق و کلام خالق قرار گرفته است و درباره‌اش گفته‌اند: «فوق کلام مخلوق و دوم کلام خالق» (مطهری، ۱۳۵۴: ۷).

سیدرضی که شیفته کلام مولی است خاصیت همه جانبه بودن سخن علی را دریافته و در مورد نهج البلاغه چنین می‌نویسد: «از فضایل شگفتی آن حضرت که درباره‌ی پرهیزگاری و مواظبت است تأمل کند و خود را از این جنبه دور نگه دارد که این سخن شخصی بزرگ و فرمانروا است که همه در برابرش سر فرود می‌آورند آنوقت شک نمی‌کند که گوینده‌ی این سخن کسی است که جز دروادی زهد و پرهیزگاری گام نزده و کاری جز عبادت نداشته است یقین می‌کند که این سخن کسی است که در گوشه‌ی خانه تنها و دور از اجتماع یا درغارای بوده که جز صدای خودش نمی‌شنیده و جز خودش را نمی‌دیده است و پیوسته به عبادت مشغول بوده است و هرگز نمی‌پذیرد که این سخن جنگ‌آوری است که با تیغ برهنه به میدان جنگ، دلیران می‌رفت و جنگاوران نیرومند را بر زمین می‌افکند در عین حال او پیشوای از دنیا گذشتگان است که نمونه‌ای برایش یافت نشود این فضیلت شگفت‌انگیز و این ویژگی عظیم تنها در آن حضرت است که صفت‌های ضد یکدیگر را در خود فراهم کند و نا همگون‌ها را با هم همگون سازد. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۷).

سید رضی در ششم ماه محرم سال ۴۰۶ ق. در سن ۴۷ سالگی که در اوج شهرت بود و جهان آن روز انتظار خدمات و آثار قلمی تابناکتری را از او داشتند چشم از جهان فروبست و جهان علم و عالم تشییع را در غم و ماتم فرو برد و روح بلند پروازش که قفس دنیا را برای طیران خود کوچک می‌دید. به ملکوت اعلی پرواز نمود.

درگذشت ناگهانی او چنان شوری در دلها افکند که تمام وزراء و اشراف و فقهاء و قضات سنی و شیعه با پای برهنه به در خانه‌اش آمدند نوشته‌اند سید مرتضی استوانه علم و تقوا و سیاست، از درگذشت مرموز و ناگهانی برادرش چنان متأثر و متأسف شد که تاب دیدن جنازه او را نیاورد و از شدت حزن و اندوه به حرم مقدس کاظمین - علیهما السلام - پناه برد. انبوه مردم

جنازه سید رضی را تشییع کردند و فخرالملک وزیر بر جنازه وی نماز خواند گفته‌اند. برخی نقل می‌کنند در کاظمین، در کنار قبر امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام دفن شد. برخی نیز قبر او را نزدیک خانه‌اش در کنار مسجد انبارین در «کرخ» دانستند.

نتیجه‌گیری

سید رضی با گردآوری سخنان و خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (ع) خدمتی بزرگ به عالم انسانیت نموده، و این خود کافی است که او را در جمله پاسداران اسلام بشماریم، ولی این تنها خدمت او نیست؛ بلکه او دارای آثار و کتاب‌هایی ارزنده و مفید است، که هرچند بسیاری از آنها از بین رفته و به دست ما نرسیده است، اما همین مقدار که الان در دسترس است دلیلی بر گستردگی افق علمی سیدرضی رحمه‌الله علیه می‌باشد. با اینکه بیش از ۴۷ سال عمر نکرد و پس از ۱۷ سالگی در امور سیاسی و اجتماعی و قافله‌داری و ریاست وقت زیادی را گذرانده، علیرغم تمام این امور، او را به حق می‌توان یکی از علما برجسته زمان خود دانست. وگرچه از نظر علمی در درجه‌ای پائین‌تر از برادرش سیدمرتضی بود، ولی نبوغ و هوش سرشار، توانست از او استادی بزرگ و معلمی شایان تقدیر بسازد.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. (۱۳۳۷). شرح نهج‌البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲. ابن خلکان، احمد بن محمد. وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان بیروت: دالفکر
۳. امینی، محمدحسین. (۱۴۱۶). الغدیر، قم: مرکز الغدیر.
۴. امینی، محمدهادی. (۱۳۶۶). الشریف الرضی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۵. امین، محسن. (۱۴۰۳) ه. ق. اعیان‌الشیعه، جلد ۹، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۶. الفاخوری، حنا. (۱۴۲۲) ه. ق. الجامع فی تاریخ الادب العربی، جلد ۱، چاپ اول، قم: انتشارات ذوی القربی.
۷. ثعالبی، ابن منصور. (۱۴۰۳) ه. ق. یتمه الدهر فی المحاسن اهل العصر، جلد ۳، شرح و تحقیق محمد قمیحه، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. دوانی، علی. (۱۳۵۹). سیدرضی مولف نهج‌البلاغه، چاپ اول، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۹. زکی مبارک، کریمه و عادل الشامی. (۲۰۰۷) م. زکی مبارک سیره ذاتیه، الامجلس الاعلی للثقافه.
۱۰. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، چاپ دوم تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. جعفری، سیدمحمد مهدی. (۱۳۷۵). سید رضی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. صدر، سیدحسن. (۱۳۲۸) ه. ق. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، بغداد: مرکز النشر و الطباعه العراقیه المحدوده.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۴). سیری در نهج‌البلاغه، چاپ دوم، تهران: انتشارات سپهر.

Studying the personal and literary life of Seyyed Razi with an emphasis on Nahj al-Balagha

Turan behnejadiyan

Master's degree in Arabic language and literature, director of Islamic Republic High School, Khuzestan Department of Education, Andimshek

Abstract

Among the scholars and writers of the 4th and 5th centuries of Hijri is Abul Hasan Muhammad bin Al-Hussein Al-Musawi, known as "Syed Darzi and Sharif Razi", who died in Baghdad in 359 AH. He was born from a noble and religious family. In addition to the great work of compiling Nahj al-Balagha, which showed the extent of his sincere devotion to the pious master, he was also highly skilled in poetry, theology, interpretation of the Qur'an, and the science of rhetoric. His precious works are proof of this claim. This article, which is done with analytical and descriptive method and based on library studies, aims to deal with the scientific and literary aspect and to reveal the genius and hidden personality of the great scientist "Sidrezi" and to clarify many ambiguous points that are This great personality exists, made it clear and addressed the scientific and literary status of this honorable man. and to introduce his most important and greatest work "Nahj al-Balagha"

Keywords: Shia, religious scholars, Sharif Razi, Nahj al-Balagha
